

تقابل، رویارویی و نوع رویکرد بازیگران جهانی و منطقوی در قبال میهن ما آیا کشورهای همجوار ما مبدل به منبع ترس برای شهروندان کشور ما گردیده اند؟ آیا افغانستان و پاکستان در قبال مشکلات یکدیگر مقصر پنداشته می شوند؟

چگونگی همکاری کشورهای همجوار و نحوه عدالت و همبستگی اجتماعی
آیا می توان مناظره را بمثابة گشتی گیری لفظی پنداشت؟
چگونگی بافت فکری و فرهنگی جامعه افغانی
مفهوم صلح دموکراتیک با دموکراسی جهانی

نیروهای بین المللی کمک بامنیت (ایساف)، هیأتی امنیتی و اعزامی بکشور ما تحت سرپرستی ناتو که بتاريخ ۸ ماه دی سال ۱۳۸۰ بموجب قطعنامه نمبر ۱۳۸۶ شورای امنیت سازمان ملل موجودیت پیدا کرد. در امتداد درگیری های مسلحانه در کشور (۱۳۷۹-۱۳۹۹) بیش از ۴۷،۲۴۵ تن از غیرنظامیان کشور کشته شده. علاوه بر آن، حدود ۶۶۰۰۰ تا ۶۹۰۰۰ از نظامیان کشور شامل اردو و پولیس و بیش از ۵۱۰۰۰ جنگجوی طالب تا اپریل سال ۱۳۹۹ کشته شدند. بگونه کلی، درگیری های مسلحانه در کشور ۱۷۱۰۰۰ تا ۱۷۴۰۰۰ تن کشته بجا گذاشت. نیروهای یاد شده از ماه حوت سال ۱۳۹۹ تا ماه دی سال ۱۳۹۲ در درگیری های کشور ما، مشغول ایفای وظیفه بودند. بتاريخ ۱۱ ماه جدی سال ۱۳۹۳ به مأموریت "حمایت قاطع" در پی فراخواندن خروج نظامیان ناتو از کشور ما، تغییر نام داده شد. نیروهای ایساف متشکل از نظامیان کشور های ایالات متحده، بریتانیا، کندا، استرالیا، نیوزیلند، آلمان، فرانسه، مجارستان، ایتالیا، اسپانیه، ترکیه، پولند، پرتغال، رومانی، کرواسی، گرجستان، دنمارک، فنلند، بلژیک، جمهوری چک، ناروی، بلغارستان، کوریای جنوبی، سلواکی، آلبانیا، جمهوری آذربایجان، سلوانی، سنگاپور، والسلوادور بود. در ماه میزان سال ۱۳۸۱ شورای امنیت سازمان ملل، اجازه گسترش مأموریت ایساف به کل کشور ما را صادر نموده و متعاقب آن، ایساف در چهار مرحله، منطقه تحت مأموریتش را به کل افغانستان تعمیم داد. اما قابل یاددانهایی پنداشته می شود که خروج نظامیان خارجی، مطالعه ژئوپولیتیک منطقه و اهمیت آنرا در دستور روز قرار داده و محور بحث هایی را در مورد یادشده تشکیل داد. از جمله بصراحت می توان گفت که تحولات داخلی کشور ما می تواند ژئوپولیتیک منطقه را نیز دستخوش تغییر نموده و زمینه ساز هیجانات منطقوی گردد.

در نیشته حاضر، کلام را با این پرسش آغاز می نمایم کآیا تلاش هایی از جانب جامعه جهانی بمنظور طرح و تدوین رویکرد مشترک در مورد "طالب" ها به نتایج دلخواه منجر گردیده است؟ اندکی بعقب برگشته و یاددانهایی بعمل می آید که بتاريخ ۱۷ ماه دسامبر سال ۲۰۲۱ برابر با ۲۶ ماه قوس سال ۱۴۰۰ خورشیدی، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه نمبر ۲۵۹۶ را تصویب نمود که در آن از موارد نگرانی هایی بویژه از زمان بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها بقدرت، از جمله درباره مسایل تروریزم، بحران بشری، ایجاد و پایه گذاری دولت فراگیر، حقوق بشروتمامیت ارضی کشور تذکراتی بعمل آمده بود. کشورهای غربی و بویژه ایالات متحده از زمان بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها در ماه اگست سال ۲۰۲۱ (ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی)، مواضع نسبتن انتقادی اتخاذ کردند. آنها بگونه آشکاری از تحولات یادشده استقبال نکردند، اما اصلن در صدد آن نبوده و نمی خواستند تا روابط و مناسبات شان با "طالب" ها خدشه دار گردد. بر همین بنیاد به تخلیه نیروهای شان، شامل ۷۵ هزارتن از شهروندان کشور ما که با آنها همکاری می کردند، مبادرت ورزیدند. در امتداد زمانی حضور نظامیان ایالات متحده در کشور ما، اعلام گردید که واشنگتن قصد دارد تا بمنظور تداوم مبارزه علیه تروریزم در سرزمین و اراضی متعلق بکشور ما، تلاش هایش را همچنان ادامه داده، در ارائه کمک ها و معاونت های بشردوستانه به شهروندان افغان و دفاع از حقوق بشر بگونه پیگیری ادامه دهد. اما همه شاهد بوده و با صراحت مشاهده نمودند که با وجود آنهمه وعده ها و قول و قرارها، با نیمه کار گذاشتن همه مسایل و موارد مطرح، جاخالی نموده و از اراضی کشور عزیز ما رخت سفر بر بسته و کشور عزیز ما

را به میدان آزمایش های جنگی و تداوم مخالفت ها و درگیری های داخلی میدل نمودند. قابل یاددانهایی پنداشته می شود که اصل برسمیت شناختن حاکمیت "طالب" ها توسط ایالات متحده و بازیگران اصلی عمده جهانی و منطقوی در مذاکرات و گفتگوهای مسکو بدلیل نبود قاطعیت داخلی و بین المللی مورد تردید قرار گرفته و باینده نامعلومی به تعویق افکنده شد. شرایط بمنظور دستیابی بامریادشده نامشخص می باشد، چه ادعا گردید که به عملکرد و نحوه کردار آنها باید بیشتر اهمیت قایل گردید تا گفتار و ادعاهای مطرح شده توسط آنها. دول کشورهای پیشرفته اروپایی نیز مواضع مشابهی اختیار نمودند. اما باین واقعیت مسلم باید گردن نهاده شود که برخی از کشورهای مطرح در این مورد، اصلن آماده انجام اقدامات ضد تروریستی در سرزمین و اراضی کشوما نبودند. در عین حال، کشور آلمان آماده بود تادار همکاری با "طالب" ها، ارایالات متحده هم فراتر رود. هیأت آلمانی نه تنها در ماه میزان سال ۱۴۰۰ با نماینده های "طالب" ها در دوحه ملاقات نمودند، بلکه در ماه جدی سال یادشده از کابل نیز دیدار بعمل آوردند. چنانچه برای فرانسه معمول است، بیشترین تأکید بر بُعد ارزش نگری منفی در قبال حاکمیت "طالب" ها دارد. کشور متذکره وضاحت می دهد کاصل برسمیت شناختن حاکمیت "طالب" ها در دستور کار آنها قرار ندارد. اما پاریس نیز نیاز تماس با "طالب" ها را تشخیص داده است. از خزان سال ۱۴۰۰، شایعاتی مبنی بر بررسی امکان بازگرداندن دیپلومات های فرانسه و آلمان بگوش می رسید. تمامی نکات ذکر شده در بالا، بویژه در مورد موضع اتحادیه اروپا در خصوص وضعیت پناهنده ها فراتراز سطح ملی در داخل کشور تأکید می نمود. اروپایی ها از یکسو بدلائل اخلاقی و ارزشی از "طالب" ها می خواهند که بآنچه کسان و افرادی که با حاکمیت آنها نمی توانند کنار بیایند، اجازه دهند از افغانستان بخارج از کشور سفر نمایند.

اما کشور بریتانیا، قیل از همه و بیشتر از دیگران به رویکرد عمل گرایانه تری تمایل دارد، چه نماینده های آنکشور بتاريخ ۱۱ ماه سنبله سال ۱۴۰۰ با هیأت اعزامی "طالب" ها در دوحه ملاقات و گفتگونموده و پس از آن در امتداد ماه میزان سال یادشده، در نشست دیگری حضور بهم رساندند. لندن مواضع مشترک دولت های غربی را در مورد مسایل و موضوعات کلیدی پیگیری نموده اما در عمل بدنبال ایجاد و گشودن کانال مناسبتری بمنظور تماس با "طالب" ها می باشد.

هند که در امتداد دودهه پسن، روابط و مناسبات نزدیکی با رژیم طرفدار غرب در کابل ایجاد کرده بود، فرصت های بیشتری در امر روابط با پاکستان، ایران، کشورهای آسیای مرکزی و بگونه کلی در مجموع سیاست منطقوی بدست آورده است. هند از تضعیف مواضع و در مقابل، از تقویت و استحکام مواضع پاکستان در اراضی متعلق بکشورما بگونه فزاینده ای نگران می باشد. کشور یادشده که در امتداد دودهه پسن با حاکمیت طرفدار غرب در کابل، روابط و مناسبات نزدیکی ایجاد نموده بود، در امر روابط و مناسبات با ایران، پاکستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی و بگونه کلی در مجموع سیاست منطقوی، فرصت های بیشتری را برای کشور یادشده میسر و مهیا نموده است. بنابر آن، از تضعیف مواضع و بیاخت هند در سرزمین ما افغان ها اصلن نمی توان سخنی بمیان آورد. اما چنانچه تذکر بعمل آمد، دهلی نگران نقش فزاینده پاکستان در کشورما بود. چنین بنظر می رسد که کارشناسان هندی در مورد ظهور مقاومت جدی داخلی در قبال "طالب" ها شرط بندی نموده بودند، چه، صداهایی در مورد حمایت و پشتیبانی از نیروهای یادشده بگوش می رسید. اما هنگامیکه این واقعیت مبرهن گردید که هیچگونه مقاومت نیرومندی در برابر "طالب" ها اصلن موجود نمی باشد، هند به رویکرد عملگرایانه تری در زمینه بهداف برقراری تماس با "طالب" ها مبادرت ورزید. محاسبات یادشده بمنظور دستیابی باهرم خاصی بمنظور نظارت بر سناریوهای منفی برای هند در توسعه چگونگی اوضاع و همچنین توانایی پشتیبانی از نیروهای میانه رو در رهبری "طالب" ها تکوین پذیرفت. هند بگونه معناداری در امر برسمیت شناختن "طالب" ها عجله نموده اما در عین حال، از تظاهر و ابراز احساسات ضد طالبانی نیز خودداری نمود. هند در نظر دارد تا موافق با رویکرد غالب بین المللی، در قبال "طالب" ها موضعگیری و نحوه عملکردش را واضح و مشخص نماید.

ایران از مدت ها قبل موضعگیری ضد طالبانی اش را اعلام نموده، زیرا بهیچوجه آماده پذیرش موضعگیری های "طالب" ها در برابر شهروندان شیعه و تاجیک کشور نبوده و با چنین وضعیتی، جنبه های منفی حضور نظامیان ایالات متحده در کشورما بگونه تدریجی بر احساسات ضد طالبانی تهران غلبه نمود. در امتداد ماه اسد سال ۱۴۰۰، کشور ایران به ختم حضور ایالات متحده در کشورما و اکنش مثبتی بعمل آورد. رویکرد انتقادی ایرانی ها در قبال تلاش های "طالب" ها بمنظور سرکوب مقاومت در پنجشیر، نگرش کلی آنها در مورد فرصت دادن به "طالب" ها را تغییر نداد، ایران انتظار داشت تا "طالب" ها سیاست داخلی معقول و بدون سرکوب و ازهم پاشیدن هسته های مورد پشتیبانی

ایران در داخل کشورما را تعقیب نموده و همچنان سیاست خارجی مساعدی را دنبال نمایند. بنابراین، بیانیه هایی به هدف ایجاد روابط و مناسبات سازنده و متقابلن همچنان ایراد گردید. اما پرسشی درمورد مطرح می گردد که ظاهرن ایران بدنبال حفظ چه مواردی درکشورما می باشد؟

کشورچین، ظاهرن از تلاش های ایالات متحده و هم پیمانانش درامتداد زمانی حضورشان دراراضی کشورما حمایت نموده ودرامتداد سال های پسین تا حدودی باصل مذاکرات وگفتگوهای صلح با "طالب" ها کمک نموده است. اما با اینهمه، بایست یاددهانی بعمل آید که پکن درعواقب فروپاشی حاکمیت پسین درکشورما ازهیچگونه سهمی برخوردار انبود. بنابراین، جمهوری خلق چین ازطریق سفارت آنکشوردراکابل با حاکمیت "طالب" ها وارد تعاملاتی گردیده که بربنیادآن نه تنها بارائه کمک های بشردوستانه بشهروندان کشورما اقدام نمود، بلکه درمورد برنامه های اقتصادی وزیربنیابی نیزاقداماتی را درنظردارد، اما اجرای عملی برنامه های مورد نظر، هنوزبعید بنظرمی رسد. کشوریادشده ازجانب "طالب" ها اطمینان حاصل نمود که از قلمرو و اراضی متعلق بافغانستان تحت نظارت آنها، هیچگونه تهدید تروریستی درقبال چین مطرح نخواهد بود. "طالب" ها درراستای یادشده، گام های عملی برداشته اند.

درشرایط ووضعیّت وخیم ترشدن اوضاع، بویژه درزمان قبل ازفروری جمهوریّت درکشور، تاشکند بارها ازجانب "طالب" ها درمورداهداف دوستانه آنها اطمینان حاصل نموده، چه حتا پس ازفروپاشی حاکمیت برهبری غنی، کشور ازبکستان با عجله، حتا قبل ازتشکیل "امارت اسلامی افغانستان" با مقامات جدید درکابل وارد مناسبات کاری شده و پس ازوقفه ای آنهم کوتاه مدت، مرزرا مجددن برروی آنها گشود. نماینده های جمهوری ازبکستان، گفتگویا کابل را در زمینه روابط دوجانبه، عمدتن در پاره مسایل تجاری و همچنین درمورد ساخت و سازخط آهن کابل - پشاور و دسترسی بیشتر به بنادر پاکستان از سرگرفتند. برنامه یادشده ازاهمیت ستراتیژیک برخوردار می باشد. ازبکستان علاقمند است تا به تضمین های "طالب" ها مبنی برعدم صدور مُدل داخلی حاکمیت آنها به منطقه، اعتماد نماید. در حالی که تاشکند از خواسته های کنونی کشورهای غربی در مورد کابل حمایت نموده اما طرفدار وارد نمودن فشار علیه آنها نمی باشد.

با نشان دادن علاقه متقابل به همکاری دوجانبه در مورد مسایل معضل تأمین منابع مادی بمنظور تهیه انرژی برق و سرنوشت تجهیزات نظامی درکشوراصلن تمرکزمنی نمایند. قبل ازسقوط جمهوریّت درکشور، نظامیان کشوربگونه خودسرانه، چندین بال هوآپیمای جنگی نیروی هوایی کشور را به کشورازبکستان انتقال دادند.

ترکمنستان که تلاش دارد تا توجه بین المللی را بخویش جلب نماید، اما مانند ازبکستان سیاست برقراری روابط و مناسبات دوستانه با "طالب" ها را دنبال می کند. گفتنی است که وزیر امور خارجه کشور یادشده در رأس هیاتی وارد کابل شده که مورد استقبال "طالب" ها قرارگرفتند. عشق آباد همچنان انتظاردارد که تطبیق و اجرای عملی بر نامه های بزرگش را هرچه بیشترتسریع بخشد که درمیان آنهمه، به خط لوله انتقال گاز و عبوران ازاراضی متعلق بکشورما و امتداد آن به پاکستان، اولویت قایل می باشد. ترکمنستان، تمامی مسایل داخلی افغانستان و چگونگی اعمال "طالب" ها را درموارد یادشده خودی، در حدود صلاحیت ها و مسؤلیت های و شیوه عملکرد "طالب" ها می پندارد.

تاجیکستان درمورد یادشده، موضع کاملن متفاوتی اتخاذ نموده است. کشوریادشده درمورد بقدرت رسیدن "طالب" ها در کابل، دیدگاه منفی داشت. آنها دردوشنبه، از جنبش مقاومتی که در ماه سپتامبر در پنجشیر بوجود آمده بود، حداقل از نظر اخلاقی حمایت بعمل آوردند.

بسیاری از سیاستمداران تاجیک تبار حاکمیت قبلی در کشورما به تاجیکستان پناه بردند. تاجیکستان تلاش ورزید تا در امر سازماندهی مذاکرات با "طالب" ها بمنظور دستیابی به توافق در پاره تشکیل دولت ائتلافی، بمثابه میانجی نقش ایفا نماید، اما "طالب" ها از انجام امر فوق اجتناب ورزیدند. درواقعیت امر، "طالب" ها از اظهارات جنگ طلبانه ای علیه تاجیکستان نیزابا نمی ورزند.

اینکه تکوین وضعیّت اینچنینی و اقدامات بعدی واشنگتن درزمینه یادشده بکجا انجامیده و چه اهدافی را در خویش نهان دارد، چگونگی سیرحوادث بعدی بآن پاسخ ارائه خواهد نمود.

یکشنبه ۳ ماه جدی سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۲۵ ماه دسامبر سال ۲۰۲۳ ترسایی